

خاستگاه تاریخی - فرهنگی طایفه عرب کُتی

از نجد عمان تا ورامین تهران^۱

سیدعلیرضا هاشمی^۲

چکیده

طایفه مستقل عرب کُتی یکی از طایفه‌های باقدمت طولانی است که سابقه سکونت آنان به سرزمین نجد عمان می‌رسد. افراد این طایفه در دوران خلفای اُموی یا عباسی به منطقه خوزستان و فارس مأمور شده یا مهاجرت کرده‌اند. تیره‌هایی از آنان نیز در دوره قاجار، به اجبار به منطقه ورامین تهران به صورت اجبار کوچ می‌کنند و تا سال‌های اخیر در برخی از روستاهای این شهرستان به صورت کوچ‌روی به کار گله‌داری مشغول می‌شوند. این طایفه مستقل، از این نظر اهمیت دارند که تنها طایفه عشایری عرب هستند که در منطقه‌ای نزدیک به تهران زندگی کوچ‌رو دارند و از بُعد فرهنگی زبان عربی خود را همچنان تکلم می‌کنند و فرهنگ عشایری خود را کمابیش حفظ کرده‌اند.

از این رو این موضوع برای مستندسازان صداوسیما می‌تواند دستمایه‌ای باشد تا با ثبت و ضبط زندگی تاریخی، فرهنگی و اجتماعی تنها طایفه عرب کوچ‌رو نزدیک تهران، عناصر هویتی آنان را در قالب فیلم و گزارش، مستند سازند.

کلیدواژه‌ها: ایلات و عشایر، کوچ‌رو، عرب کُتی، عشایر تهران، عشایر ورامین

۱. این مقاله خلاصه بخش‌هایی از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد اینجانب است که در آینده به صورت کتاب انتشار خواهد یافت.

۲. دانشجوی دکترای فولکلور دانشگاه ملی تاجیکستان و پژوهشگر فرهنگ عامه 400hashemi@gmail.com

مقدمه

یکی از طایفه‌های عشایری که در زمان قاجار به ورامین، ری و گرمسار انتقال یافته‌اند و زندگی کوچ‌رو دارند، طایفه مستقل عرب کُتی هستند که یکی از بزرگ‌ترین گروه عشایری در استان تهران و در منطقه ورامین به شمار می‌آیند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در منطقه ورامین که نزدیک کلان‌شهر تهران است، در حدود ۱۸ گروه عشایری زندگی می‌کنند و اکثر این گروه‌های عشایری، کار کشاورزی و دامداری و گاه زندگی کوچ‌روی را ادامه می‌دهند تا معیشت خود را به دست آورند و زندگی را سپری کنند.

طایفه عرب کُتی در منطقه ورامین از این جنبه اهمیت دارند که جزو بزرگ‌ترین گروه عشایری منطقه به‌شمار می‌آیند. به‌علاوه به دلیل پیشینه تاریخی و دارابودن زبان عربی، در میان سایر گروه‌های عشایری منطقه، شاخص به‌شمار می‌آیند.

این مقاله با رویکرد تاریخی و فرهنگی به معرفی طایفه مستقل عرب کُتی در منطقه ورامین و در نزدیکی کلان‌شهر تهران می‌پردازد.

خاستگاه قومی و جغرافیایی

عرب‌های کُتی که در اصل از اعراب نجد عمان بودند (بهمن‌بیگی، ۱۳۳۴: ۲)، در زمان خلافت خلفای اموی یا عباسی به دیار فارس و خوزستان مأمور شده‌اند. (خورموجی، ۱۳۷۶: ۹۲) جدّ اعلای آنها مصیقله ابن هیره شیبانی است که از طوایف شیبانی فارس بوده و حکومت فارس (سال ۳۱ هجری قمری) را بر عهده داشته است. در فارسنامه ناصری، نام این شخص آمده است (فسایی، ۱۳۶۷: ۶) و می‌توان این مطلب را قدیمی‌ترین سندی شمرد که درخصوص این طایفه وجود دارد.

در کتاب‌هایی که درخصوص عشایر ایران نوشته شده، ایل عرب وابسته به اتحادیه خمسه فارس است و به دو بخش عرب شیبانی و عرب جبّاره با تیره‌های متعدّد تقسیم می‌شود که همه‌ساله از لارستان در جنوب فارس تا اقلید در شمال آن، کوچ می‌کنند. این گروه، تنها عشایر عرب هستند که جزو خمسه بوده و تاکنون عمدتاً کوچ‌رو باقی مانده‌اند.

(ایوانوف، ۱۳۴۳: ۹۸) ایلات خمسه از ترکیب طوایف ترک بهارلو، اینانلو، نفر، باصری و اعراب شیبانی و جبّاره که از بازماندگان هجوم اولیّه اعراب به ایران بود، تشکیل شده است. (بیات، ۱۳۶۵: ۱۶)

برخی سفرنامه‌نویسان درخصوص ایل عرب نوشته‌اند: «عدّه ایشان از تیره‌های ترک محدودتر است و گفته‌اند که از سه‌هزار چادر بیشتر نیستند و در همین منطقه نیز زندگی می‌کنند و تبار خود را به طایفه بنی‌شیبان عرب منسوب می‌دارند». (کرزن، ۱۳۶۷: ۱۳۸، ۱۳۹)

در حاشیه کتاب «آثارالعجم» نیز آمده است: کُتی بضم کاف عربی و کسر تاء قرشت به یاء حُطی زده نام قبیله‌ای از اعراب فارس است که سرحد و گرمسیر را ملازم‌اند. (حسینی، ۱۳۶۲: ۱۲۶) در سفرنامه سیر پرسی سایکس هم از ایل کوتی (کُتی) نام برده شده و سپس از اسامی اعراب فارس طبق صورتی که مستر بلکمن در هزارونهد صد میلادی تهیه کرده نام برده شده است. این مأمور انگلیسی نام طایفه کُتی فارسی و عبدالیوسفی را برشمرده و به طایفه ولی‌شاهی و درازی نیز اشاره کرده است. (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۴۵)

پیشینه تاریخی

در مورد تاریخچه طایفه عرب کُتی، قدیمی‌ترین نوشته موجود مربوط به جدّ بزرگ آنان مصیقله‌ابن‌هیره شیبانی است که در سال ۳۱ هجری، خلیفه سوّم، ایالت مملکت فارس را به او واگذار کرد و در سال ۳۷ هجری از این سمت برداشته شد. (فسایی، پیشین: ۶)

در زمان حکمرانی شعاع‌السلطنه در عهد ناصرالدین‌شاه در پی واقعه‌ای و پس از حمله به مردان طایفه عبدالیوسفی کُتی، این طایفه کوچ می‌کنند. شرح این حمله نیز نگاشته شده است. (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۳۳، ۱۳۲)

در سندی هم که بر روی پوست آهو و به خط صدراعظم ناصرالدین‌شاه نوشته شده و در دست بزرگان این طایفه است، آمده: چون اعراب بادیه‌نشین طایفه کُتی طوق بندگی به گردن و حلقه غلامی به گوش کرده‌اند، شامل عنایت شاهانه شده‌اند و از مشروح فرمان

چنین برمی‌آید که آنان متمرّد به امر دولت بوده و چون سر تسلیم فرود می‌آورند و تأمین حاصل می‌نمایند، به عنایت شاهانه مفتخر شده‌اند. (همان: ۱۰۱، ۱۰۰)

در مورد وجه تسمیه نام کُتی در برخی کتاب‌ها و فرهنگ‌ها معانی متفاوتی دیده می‌شود. از جمله: در برخی کتب قدیمی کوتی دیده می‌شود و از آنجا که کوت شهری در عراق عرب بوده است، احتمال می‌توان داد که اصلاً این طایفه از آنجا برخاسته باشد. در فرهنگ‌های لغت قدیمی نیز این کلمه به اشکال مختلف معنی شده است؛ به طوری که در برهان قاطع آمده است: بر وزن حوت، به زبان هندی قلعه را می‌گویند. (برهان قاطع: ۱۷۲۰/۳)

خود افراد طایفه کُتی از معنای آن اطلاع چندانی ندارند. یکی از افراد این طایفه، کُتی را «کُت به دست» معنی می‌کند و می‌گوید که چون در سیاه‌کوه، پدربزرگان آنها یاغی‌گری می‌کردند و به اصطلاح دعوایی بودند و کُت خود را روی دست می‌انداختند، به این نام مشهور شده‌اند! (هاشمی، پیشین: ۱۳۸)

پراکندگی و کوچ

منطقه ورامین یکی از مناطقی است که طوایفی از بیشتر عشایر ایران در آن زندگی می‌کنند. بیشتر این عشایر در طول چهار قرن اخیر یعنی از زمان حکومت سلاطین صفوی به منطقه ورامین کوچ کرده‌اند. کوچ عشایر که بیشتر علت سیاسی داشته است، به این قصد انجام می‌گرفت که عشایر از موطن اصلی خود دور شوند و در منطقه مرکزی ایران تحت نظر باشند.

در دوره قاجاریه که تهران پایتخت ایران شد؛ گروهی از عشایر موافق و مخالف حکومت به مناطق اطراف تهران و از جمله ورامین کوچ داده شدند، اما موقعیت خاص جغرافیایی این منطقه که از یک طرف به دامنه‌های جنوبی البرز (محلّ بیلاق) و از طرف دیگر به سیاه‌کوه، مسیله و قرق سیف (محلّ قشلاق) نزدیک است، به عشایر امکان داد که کم و بیش بافت زندگی عشایری خود را حفظ کنند. (همان: ۷۳)

آن طور که از اقوال و کتاب‌ها برمی‌آید، کوچ عرب‌های کُتی از فارس به منطقه ورامین به مرور و از دوران نادرشاه افشار تا زمان ناصرالدین شاه قاجار ادامه داشته است. (امینی، ۱۳۶۸: ۱۸؛ وزیری، ۱۳۵۸: ۵۱)

معمّرین عشایر کُتی اظهار می‌کنند که آنها در مراحل مختلف به منطقه کوچ کرده‌اند؛ در یک مرحله به صورت اجباری و به دلیل سیاسی به منطقه کوچ داده شده‌اند، ولی بعد از ورود به منطقه و زندگی چند ساله در منطقه چون شرایط زیست را بهتر از فارس می‌یابند، به اطلاع اقوام خود در فارس می‌رسانند و آنها را تشویق می‌کنند به منطقه ورامین و خوار بیایند. در این مرحله تعدادی از افراد این طایفه داوطلبانه به منطقه کوچ می‌کنند. (امینی، پیشین: ۴۴) همچنین بنا به گفته ریش‌سفیدان این طایفه، عرب‌های کُتی پس از مهاجرت، در منطقه سیاه‌کوه ورامین مأوا گزیدند و چادرسیاه‌های خود را در این منطقه نزدیک قصر عین‌الرّشید فعلی نصب کردند. سون هدین که در دوره قاجار از ایران دیدن کرده، مشاهدات خود را از منطقه سیاه‌کوه نوشته و تعدادی از چادرهای عشایر عرب را دیده و وضعیت آنها را توصیف کرده است. (هدین، ۱۳۵۵: ۱۸۳، ۱۸۲)

به مرور زمان عشایر در این منطقه به علت همبستگی شدید قومی و مقتضیات زندگی کوچ‌نشینی و گاه حمایت حکومت، دارای قدرت قابل توجهی شدند، به طوری که در اسناد دوره قاجار (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۳۳۹ به بعد) از پنج بهنام^۱ در منطقه ورامین، به نام پنج طایفه معروف و قدیمی که از زمان صفویّه به بعد به ورامین انتقال داده شدند، نام برده شده است. یکی از آنها بهنام عرب است که محدوده عشایر عرب بوده است. (امینی، ۱۳۶۸: ۵۳)

حکومت نیز برای اداره عشایر و جمع‌آوری مالیات، یک ایلخان و یک ایل‌بیگ برای آنها می‌گماشت (لمتون، ۱۳۳۵: ۲۹۸)، به طوری که ریاست ایلات عرب ورامین و برخی ایلات دیگر بر عهده علی‌اصغر صاحب‌جمع، پسر امین‌السلطان بود. (هاشمی، ۱۳۷۲: ۷۵)

اکثر کُتی‌ها، تاریخ مهاجرت خود به ورامین را در زمان ناصرالدین‌شاه می‌دانند و مدعی هستند که علفزار سیاه‌کوه برای چرای دام‌ها از طرف ناصرالدین‌شاه به آنها بخشیده شده

۱. دهستان‌های ورامین

است و سند آن که روی پوست آهو و به خط صدراعظم ناصرالدین‌شاه نوشته شده، در دست آنهاست. (همان: ۱۰۱-۱۰۰)

نخستین روستاهای محلّ سکناى افراد طایفه کُتی، طبق گفته بزرگان این طایفه، قلعه غیاث‌آباد در ابتدای روستای جلیل‌آباد و روستای شوران (آهیة) بوده است. قلعه غیاث‌آباد هم‌اکنون نیز به همان شکل سنتی خود با خانه‌هایی خشتی و طاق‌هایی گنبدی و برج و باروی خراب وجود دارد. شجره‌های تهیّه شده از تیره‌های مختلف طایفه کُتی نشان می‌دهد که محلّ تولّد دو نسل قبل پیرمردان فعلی، در منطقه سیاه‌کوه و رامین بوده؛ اما زادگاه اجداد آنها قبل از این دو نسل، منطقه فارس بوده است. (همان: ۱۳۷)

بهارچر (فروردین و اردیبهشت) و پاییزچر (آذر و دی) عشایر کُتی، منطقه تل‌سرخ، زیر ارتفاعات سیاه‌کوه در جنوب و رامین است که با توجه به نوع مرتع که درجه سه است، دامداران کُتی مازاد علوفه مورد نیاز خود را از طریق پس‌چر مزارع تأمین می‌کنند. (همان: ۱۰۴)

این دامداران پیش از ممنوعیت چرا در پارک ملی کویر، گله‌های خود را در هموارِ سینّه شکرآب و هموارِ نَسارِ سیاه‌کوه چرا می‌دادند؛ اما امروزه دام‌های آنها تا منطقه دوازده امام، نَرخرکوه، پَره زرد، غدیر اسب، تل‌سرخ و مکرش مشغول چرا هستند. (همان: ۲۸)

برای رسیدن به منطقه لار، دامداران طایفه عرب کُتی چهار ایل‌راه دارند که به صورت کوچ‌رو به آنجا می‌روند. این مناطق از مبدأ روستاهای این طایفه در ورامین عبارت‌اند از:

- ورامین، سرخه‌حصار، شورا، تماشا، شوینک، مرادتپه، واسه‌جون، ایرا، قوش‌خونه، گذردره و آرو.

- ورامین، کوه‌های قره‌قاچ، کوه‌های اطراف دماوند، مشاء، رودهن، بومهن، تَجَرک، وسان، پَهَنک، سیاه‌پلاس، قوشخانه، قرقره‌سنگ، چهل برّه و میان‌رود.

- ورامین، کوه‌های قره‌قاچ، مشاء، گردنه امامزاده‌هاشم، پلور، گردنه سیدک، چَپَک سنگسری، گردنه امام پهنک ارتش، رودخانه لال‌آب، شیخ‌امیر، آرو، یورد حاج‌خانم، تُرشکچال، و ورآرو علیدایی.

- ورامین، کوه‌های قره‌قاج، گردنه امامزاده‌هاشم، پلور، چال‌چال، وزان، بندخاکی، چهل‌دره، ورآرو و اسکندربیک. (همان: ۱۰۷-۱۰۶)

سال‌های متمادی است که افراد طایفه عرب کُتی از این ایل‌راه‌ها استفاده می‌کنند؛ به طوری که در برخی کتب تاریخی دوره قاجاریه از لار به عنوان بیلاق ایل عرب یاد شده است.

امروزه تأثیرات ناشی از نزدیکی به تهران، مستحیل شدن در جامعه شهری و تأثیر فناوری بر شیوه کوچ عشایر ورامین، موجب شده است که عشایر طایفه کُتی نیز با توجه به این موارد شکل سنتی کوچ را کنار بگذارند و از وسایل نقلیه برای رفتن به منطقه بیلاق (لار) استفاده کنند. به طوری که در شهر دماوند اتومبیل‌های سواری در دست برای رفتن به مراتعی از جمله آرو، ورآرو، اسکندربیک و سیاه‌پلاس وجود دارد که معمولاً خانواده‌های کُتی از طریق این وسایل به محل بیلاق مورد نظر خود می‌روند.

حرکت کوچ طایفه عرب کُتی عمودی است و دامداران از دشت به ارتفاعات حرکت می‌کنند؛ مسیر کوچ نیز کوتاه - زیر ۱۵۰ کیلومتر - است و دامداران به فاصله یک ماه در بیلاق مستقر می‌شوند و به مدت ۴ تا ۶ ماه در بیلاق اقامت می‌گزینند.

هر کدام از تقسیمات اجتماعی مانند تیره و طایفه در بیلاق مکان مشخصی دارند که تقریباً مقرر دایمی آنهاست و دام آنها در مرتع می‌چرد. مکان‌های معینی نیز برای برپایی «یورد» (yord به معنی اردوگاه) دارند که طبق قوانین و مقررات و سنن قدیمی متعلق به خود آنهاست و گروه دیگری نمی‌تواند از آنها استفاده کند. مثلاً یورد حاج ذبیح‌الله از تیره شریفی در منطقه آرو برپا می‌شود و مرتع سیاه‌پلاس محل استقرار اردوگاه تعدادی از خانواده‌های تیره جعفری کُتی است. (همان: ۱۱۰-۱۰۹)

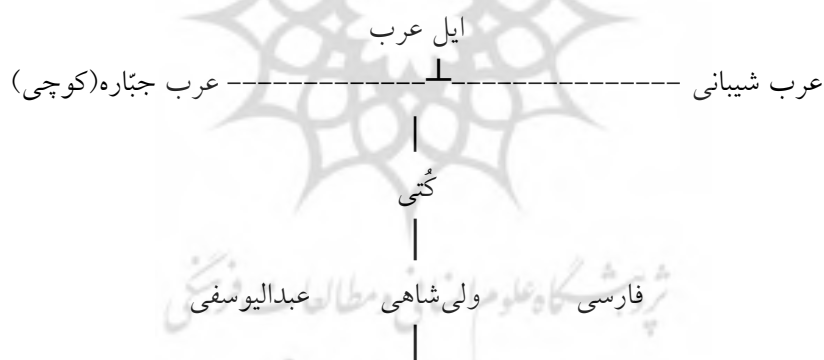
در محل اردو رئیس که سرباج نامیده می‌شود، حدود ۷ تا ۲۰ چادر را زیر اقتدار خود دارد و زندگی در اردو و کوچ را سر و سامان می‌دهد. در سراسر لارات، «شیرواره» (یا وهره vahre) و عرف مربوط به آن، در فصل شیردهی بین خانواده‌های دامداران کُتی اجرا می‌شود، و با تولید لبنی و فرآورده‌های آن، مایحتاج مورد نیاز زمستان را فراهم می‌سازند. عموم خانواده‌ها در سیاه‌چادرهایی زندگی می‌کنند که هنوز کم و بیش از موی بز بافته

می‌شود و در کنار آن امور عشایری جهاد سازندگی چادرهایی از برزنت در اختیار آنان می‌گذارد. (همان: ۲۶۸-۲۶۹)

ساختار سیاسی و تقسیم‌بندی طایفه‌ای

در کتاب‌هایی که درخصوص عشایر ایران نوشته شده، ایل عرب وابسته به اتحادیهٔ خمسه فارس است و به دو بخش عرب شیبانی و عرب جبّاره و تیره‌های متعدّد تقسیم شده است که همه‌ساله از لارستان در جنوب فارس تا اقلید در شمال آن، کوچ می‌کنند. (بی‌نام، ۱۳۶۸: ۲۹) در «فارسنامه ناصری» نیز ایلات عرب، فارس توصیف شده‌اند و اسامی تیره‌های مختلف عرب به تفکیک کتابت شده است؛ به طوری که از سه تیرهٔ عرب‌های کُتی شیبانی به نام‌های فارسی، عبدالیوسفی و ولی‌شاهی نام برده شده است. (نک: فسایی، ۱۳۶۷: ۳۱۱-۳۱۲)

نمودار ساخت و منشاء طایفه کُتی



جعفری مجیدی آقاحسینی قنبری صادقی مؤمنی بقرای شریفی همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، ساخت سنتی طایفه کُتی از هشت تیره به نام‌های جعفری، مجیدی، آقاحسینی، قنبری، صادقی، مؤمنی، بقرای و شریفی تشکیل شده است. (هاشمی، پیشین: ۱۳۹) در برخی کتب این تقسیم‌بندی به ۹ طایفه صورت گرفته است؛ صادقی، مؤمنی، شریفی، چارراهی، بقرای (ساکن در حصاربالا)، آقاحسینی (ساکن

در شعیب‌آباد، جعفری، قنبری (بیشتر ساکن در خیرآباد)، لومهدی (لو محمدی) و مزیدی (مجیدی) ساکن در قلعه نوجامکار. (امینی، ۱۳۶۸: ۴۵)

افراد طایفه کُتی خود را از طایفه ولی‌شاهی فارس می‌دانند. (هاشمی، پشیین: ۱۳۹، ۱۴۱) کُتی‌های باقرآباد شهری بیشتر بقرایبی هستند و محله‌ای در آنجا به محله عرب‌ها معروف است (همان: ۸۵)، کُتی‌هایی هم که در گرمسار مستقر هستند، خود را از طایفه صادقی می‌دانند. (شاه‌حسینی، ۱۳۷۸: ۴۵)

طایفه
تیره
نتاج
خانواده

نمودار ساختار اجتماعی کنونی طایفه کُتی

طایفه کُتی واحدی همبسته، مرکب از هشت تیره است. هر تیره به واحدهای زیرتیره، ابتدا به نتاج و سپس خانواده تقسیم می‌شود. نتاج به عنوان یک واحد خویشاوندی، مجموعه خانواده‌هایی است که سلسله تبارشان به یک نیای مشترک می‌رسد و این نیا، برادر نیاکان نتاج‌های دیگر همان تیره است. واحد پایه در طایفه کُتی نیز خانواده است که هر خانوار مرکب از رئیس خانوار (پدر)، همسر و فرزندان ازدواج نکرده و گاه پدربزرگ و مادربزرگ هستند.

از نظر سیاسی، در حال حاضر هیچ کدام از عناوین خان، کلانتر، رئیس، ریش‌سفید یا شیخ در مورد افراد تیره‌ها و طایفه‌های کُتی مشاهده نمی‌شود و افراد در هیچ‌یک از سلسله‌مراتب سیاسی که در سایر عشایر، بویژه در جنوب‌غرب و غرب کشور دیده می‌شود؛ قرار ندارند. تنها گاه اصطلاح «بزرگ» به کار می‌رود که مراد؛ فرد مسن، مجرب و دنیادیده است که از تاریخ طایفه اطلاع دارد و قادر به انتقال تجارب گذشتگان به نسل جوان است. (همان: ۱۴۲، ۲۶۹) عشایر کُتی دارای مذهب اسلام و شیعه اثنی‌عشری هستند. (همان: ۲۰۳)

معیشت

شغل اکثر عشایر کُتی دامداری و کشاورزی است. نزد عشایر این منطقه هنوز دامداری نوعی فعالیت اقتصادی سنتی محسوب می‌شود؛ به طوری که تابستان‌های گرم و خشک این منطقه و وجود روستاهای مجاور دشت و کویر، سبب کوچ موقت بین این مناطق و دشت‌های لار و سد لپیان می‌گردد. باید تأکید کرد که بز، گوسفند و گاو در روستاهایی که قدرت ذخیره علوفه زمستانی را دارند، از مهم‌ترین دام‌های این منطقه به‌شمار می‌روند.

بررسی وضعیت اقتصادی و معیشتی افراد این طایفه در روستای شوران که در بخش مرکزی شهرستان ورامین و جزو یکی از روستاهای بهنام سوخته به‌شمار می‌رود، نشان می‌دهد که شغل اهالی روستا کشاورزی و دامداری است و اطلاعات کسب‌شده از دهمداری جلیل‌آباد نشان می‌دهد که روستا دارای حدود ۵۰۰ رأس گوسفند پرواربندی، ۵۰ رأس گاو و گوساله، ۲۰ رأس گاو میش، ۵۰۰ رأس بز و بزغاله و ۵۰۰ رأس گوسفند و بره است. محصولات کشاورزی روستا شامل صیفی‌جات، گندم و جو است و آب کشاورزی روستا از طریق دو حلقه چاه عمیق که ۱۶ سنگ آب می‌دهد و آب نهر (رودخانه) که از کنار رودخانه عبور می‌کند، تأمین می‌شود.

علاوه بر کشاورزی و دامداری که شغل مردان روستاست، در تعدادی از خانواده‌ها، زنان در کنار کار منزل به قالببافی می‌پردازند. (همان: ۱۸۹) علاوه بر این، زنان در بیلاق نقش اساسی در تولید اقتصادی خانواده دارند و با تولید لبنی و فرآورده‌های آن مایحتاج مورد نیاز زمستان خانواده را فراهم می‌کنند. (همان: ۲۶۹) با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد که جوانان و دامادهای خانواده کمتر به مشاغل پدران خود رو می‌آورند و به دلیل مشکلات کار رمه‌گردانی، مسائل موجود در طول زندگی چهار ماهه بیلاق در منطقه لار و مهم‌تر از آن مستحیل شدن در جامعه شهری، به مشاغل دیگری از جمله کار در کارخانجات مهمات‌سازی پارچین، روی آورده‌اند. (همان: ۲۷۲)

جمعیت

عشایر قشلاقی منطقه ورامین، ۴۱۸ خانوار جمعیت دارند که طایفه مستقل عرب کُتی با ۱۳۰ خانوار دومین گروه جامعه عشایری را در سطح استان تهران داراست. این جمعیت متشکل از ۵۷۶ مرد و ۵۸۳ زن و در مجموع ۱۰۵۹ نفر بوده است. (بی‌نام، ۱۳۶۶) آخرین سرشماری مرکز آمار ایران مربوط به سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، طایفه مستقل عرب کُتی را متشکل از ۱۳۶ خانوار و تعداد ۶۷۳ زن و مرد (۳۶۹ مرد و ۳۰۴ زن) برآورد می‌کند که در شهر ورامین و بخش پیشوا و در دهستان بهنام سوخته جنوبی، دهستان قشلاق جیتو و دهستان ولی‌آباد سکونت دارند. (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۵۱)

مسکن

بررسی و مطالعه مسکن در عشایر کُتی در دوره استقرار نشان می‌دهد که شکل عمومی مساکن در این روستاها و ترتیب استقرار آنها، به صورت مجتمع و متمرکز است. نقش آب در تمرکز مساکن بسیار مؤثر بوده است، زیرا دسترسی به آن را با توجه به موقعیت جغرافیایی این دهات که در حاشیه کویر قرار دارد، سهل و امکان‌پذیر می‌سازد. به‌علاوه مسئله نامنی در گذشته نیز باعث تجمع همه مساکن شده است. (فیروزی و غلامی، ۱۳۵۸: ۶۸)

با مشاهدات انجام‌شده در روستای شوران، مصالح ساختمانی به کار رفته در ساختمان خانه‌های عشایر کُتی عبارت‌انداز: خشت و گل، آجر، گل، چوب و تیرآهن. مساکنی که در قلعه شوران ساخته شده‌اند، بیشتر از خشت و گل‌اند. خانه‌های مرکزی شوران که قدیمی‌ترند نیز همگی از خشت و گل ساخته شده‌اند. اما در پی خانه‌سازی‌های جدید این مصالح به شکل تیرآهن یا گاهی چوب دیده می‌شود.

خانه‌ها همه بدون اشکوب بوده و معمولاً مجاور یکدیگر ساخته شده‌اند. نمای عمومی بام خانه‌ها گنبدی شکل است که در مجموع به صورت گنبدهای طویل و موازی جلوه می‌کند. بام هر خانه متناسب با تعداد اتاق‌ها از چندین گنبد ساخته شده است که در بین آنها فرورفتگی‌هایی وجود دارد که گنبد هر اتاق را از اتاق دیگر مجزا می‌کند. این

فرورفتگی محلّ ناودان است. سقف خانه‌ها ضربی است و خانه‌های جدید که از تیرچوب یا تیرآهن ساخته شده‌اند، مسطح است.

پایه خانه‌ها معمولاً از خشت و گل و دیوارها گلی است. قطر دیوار خانه‌ها بین ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر متغیّر است. ولی اکنون دیوار خانه‌ها را نازک‌تر می‌سازند.

تعداد اتاق‌ها در خانه‌های این روستا بین ۲ تا ۴ است. خانه‌های معمولی ۳ اتاق و خانه‌های قدیمی ۴ اتاق دارند. معمولاً بیشترین مساحت به اتاق پذیرایی اختصاص داده شده است. از اتاق‌ها به منظور خواب، پذیرایی و در برخی منازل برای قالیبافی استفاده می‌شود. دیوار اتاق‌ها با کاهگل و گچ‌اندود شده‌اند و به دلیل سقف ضربی، اندازه پنجره‌ها کوچک است. در و پنجره‌ها غالباً چوبی هستند، اما در منازل جدید پنجره آهنی نیز کار گذاشته‌اند و درب ورودی منزل را نیز آهنی کرده‌اند.

معمولاً دام‌ها در خانه نگهداری می‌شوند و قسمتی از حیاط منزل به اصطبل اختصاص یافته است. در برخی خانه‌ها نیز که انباری وجود دارد، از آن برای نگهداری علوفه، انبار کردن آذوقه و قرار دادن وسایل کشاورزی استفاده می‌شود. حیاط خانه‌ها نیز از وسعت زیادی برخوردار است و در آن درختان میوه مانند انار، توت و مو کاشته شده است و در زیر درختان انواع سبزی برای مصرف خانگی می‌کارند. (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۹۸-۱۹۶)

انواع سفره‌ها و نذرها

با توجه به تعداد امامزاده‌ها و بقاع متبرک در منطقه ورامین، طایفه‌های کُتی مستقر در روستاهای این منطقه قسمتی از نذرهای خود را به شکل انداختن پول در این بقعه‌ها و زیارتگاه‌ها ادا می‌کنند. اما مراسمی که در خانه‌ها صورت می‌گیرد، بدین شرح است:

- سفره مادر حضرت ابوالفضل (علیه السلام): خرج این سفره زیاد است. این سفره هنگام عصر انداخته می‌شود و در آن انواع خوراکی‌ها گذاشته می‌شود. در این سفره که با دعوت از یک خانم جلسه‌ای شروع می‌شود، ضمن خواندن قرآن و ذکر مصیبت، زنان همگی دعا می‌کنند که نذر صاحب سفره برآورده شود و ضمن آنکه خوراکی‌های سفره را می‌خورند، بخشی از آن را نیز به‌عنوان تبرک برای خود یا کسان خود می‌برند.

- سفره‌های دیگری نیز به نام‌های حضرت عباس علیه السلام، سفره حضرت علی اصغر علیه السلام، سفره حضرت زینب (سلام الله علیها) و حضرت رقیه (سلام الله علیها) می‌اندازند که این سفره‌ها نیز همگی اختصاص به زنان دارد، اما از نظر خرج سبک‌تر از سفره مادر حضرت ابوالفضل علیه السلام است.

- آش پنج تن؛ این آش رسم خاصی دارد و نذرکننده باید پنج بسته رشته به نیت پنج تن آل عبا علیهم السلام آماده کند و با آن آش بپزد و آش را بین همسایه‌ها و اقوام خود توزیع کند.

- آش دیگری به نام «نسر راهی» است که در سر کوچه یا جلوی خانه‌ها می‌پزند. این آش را خانواده‌های کُتی در هنگام جنگ هشت ساله ایران و عراق که فرزندان‌شان به جبهه می‌رفتند، به وفور می‌پختند.

- آش دیگری که آن را به صورت جمعی می‌پزند، «آش خیر» نام دارد. این آش به طور دسته‌جمعی از سوی اقوام یا همسایه‌ها پخته می‌شود و هر کدام از خانواده‌ها به فراخور حال خود بخشی از ملزومات یا انجام برخی مراحل پخت آش را برعهده می‌گیرند. (همان: ۲۰۷-۲۰۸)

زبان

در منطقه ورامین، تیره‌های مختلف طایفه کُتی به زبان عربی صحبت می‌کنند و تاکنون سعی کرده‌اند زبان و فرهنگ خود را حفظ کنند. در عین حال تأثیراتی نیز از عشایر و طوایف دیگر پذیرفته‌اند. مردم این طایفه زبان فارسی را نیز به خوبی تکلم می‌کنند، اما استفاده از زبان عربی بیشتر در محاورات روزمره خانوادگی و محاورات روزمره با افراد تیره‌های کُتی انجام می‌گیرد. برای زبانشناسی این طایفه مختصاتی را می‌توان قائل شد:

- مردم سعی در حفظ واژگان عربی دارند و حتی کودکان و نوجوانانی که در مدارس دولتی ثبت‌نام کرده‌اند، با زبان فارسی که زبان رسمی کشور است، آشنایی کامل دارند و به آن تکلم می‌کنند، وقتی در داخل خانواده بزرگ‌ترها به عربی سخن می‌گویند، آنها نیز به پیروی از بزرگ‌ترها به عربی صحبت می‌کنند.

- برای اجزای بدن خود و حیواناتی که با آن سروکار دارند، اسامی مختلف و مخصوص عربی به کار می‌برند و حتی در محاورات فارسی نیز گاهی از این واژه‌ها استفاده می‌کنند.

- در مراسم خاص مثل عروسی و عزا، زبانزدها و جملات خاصی را به عربی تلفظ می‌کنند.

در اکثر خانواده‌ها اولیاء سعی دارند فرزندانشان زبان عربی، یعنی زبان مادری را از همان ابتدای طفولیت بیاموزند، بویژه آنکه محاورات خانوادگی معمولاً به زبان عربی است و این فضا به یادگیری زبان عربی از سوی کودکان کمک می‌کند.

اما از آنجا که فرهنگ‌های مختلف بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، به دلیل ارتباط روزمره افراد طایفه با مراکزی مثل پیشوا و شهرستان ورامین و بویژه کلان‌شهر تهران، و همچنین دسترسی به وسایل ارتباط جمعی مانند مطبوعات و رادیو و تلویزیون، زبان کُتی نیز رفته‌رفته در طیّ زمان دستخوش تغییرات شده است و خواهد شد؛ به طوری که این احتمال می‌رود که با توجه به نزدیکی ورامین به پایتخت و همچنین تفاوت شغلی آینده فرزندان با شغل فعلی پدران (دامداری)، زبان عربی در بین نسل‌های آتی این طایفه حفظ نگردد. این موضوع بویژه در مورد فرزندان حاصل از ازدواج‌های غیرخویشاوندی صادق است. (همان: ۲۱۱-۲۱۰)

نمونه‌ای از واژگان زبان کُتی درخصوص تسمیه ظروف آشپزخانه به قرار زیر است:

سینی کوچک = دری (dori)

سینی بزرگ = مجمع (majma)

قابلمه = قلفتی (qolefti)

کاسه = طاسه (tâse)

دیگ مسی = پاتیل (pâtil) (برای واژگان دیگر، نک: همان: ۲۱۲ به بعد)

نمونه‌ای از گفتار این طایفه نیز در جملات زیر آمده است:

کجا می‌روی؟ = ایشا طاقت؟ (iša tâqet)

من می‌خواهم بروم عروسی = آریت عاقد به عرس (ârit âqed be ares)

بفرما منزل = تعال لبیت (taâl le beit) (برای جملات دیگر، نک: همان: ۲۱۹ به بعد)

اشعار

اشعار رایج در بین کُنی‌ها دارای قواعد شعری نیست و شاعر شناخته‌شده‌ای ندارند. این اشعار به صورت دوبیتی و چندبیتی سال‌ها سینه‌به‌سینه در بین اهالی این طایفه انتقال یافته است. بیشتر مضامین این اشعار برگرفته از گوسفند، مراتع، مناجات، غم و غصّه و مضامین عاشقانه است.

سرت نازم که سرسر می‌کنی ول مثال برّه بعب می‌کنی ول
مثال برّه تازه رگایه^۱ دمام یاد مادر می‌کنی ول

قد سروت الهی خم نگرود دل شادت به دست غم نگرود
دعای من شب و روز همین است که سایهات از سر ما کم نگرود

شیم آمد که مهتابم نیامد نشستم تا سحر خوابم نیامد
نشستم تا سحر گریان و بریان گل سرخ وفادارم نیامد

نمی‌دانم چه بد کردم چه تقصیر فلک بر گردنم انداخته زنجیر
فلک بر گردنم زنجیر بردار به زنجیردار بگو ما را چه تقصیر

بلندی جای خوابت باشد ای ول که مخمل رختخوابت باشد ای ول
ز غیر من اگر یاری بگیری شب و روز گریه کارت باشد ای ول

نمونه‌ای از اشعار عربی

أَحَدٌ مَعَجٍ أَحَدٌ مِّنْ لَّارٍ مَّعَجَهْ کسی نیامد کسی از لار(بیلاق) نیامد
أَحَدٌ مِّنْ جَانِبِ دِلْدَارٍ مَّعَجَهْ کسی از جانب دلدار نیامد

۱. بره‌ای که از مادر جدا شده است.

أَحَدَ مَعَجَ كَهِ اَحْوَالِ أَسِيلِهِ كَسَى نِيَامِد كَه حَالَش رَا بِيْرَسْم
صَنَمَ سِيْمَا كُْلُ رُخْسَارِ مَعَجَه أَنْ كَل سِيْمِيْن رُخْسَار نِيَامِد

(همان: ۲۲۲-۲۲۰)

جمع بندی

طایفه مستقل عرب کُتی که در زمان قاجار به ورامین، ری و گرمسار انتقال یافته‌اند و زندگی کوچرو دارند از بزرگ‌ترین گروه‌های عشایری استان تهران و منطقه ورامین هستند. این طایفه دارای خاستگاه قومی و جغرافیایی و پیشینه تاریخی ویژه‌ای هستند که بررسی و مطالعه بیشتر، اسناد پیشین و تاریخی را تکمیل می‌کند. آداب و سنن خاص و تکلم به زبان عربی از ویژگی‌های دیگر این عشایر استان تهران است. امروزه این طایفه به دلیل تأثیرپذیری و ارتباط روزمره با مراکز شهری، مانند پیشوا و ورامین و بویژه کلانشهر تهران، بافت سنتی و عشیره‌ای خود را تقریباً از دست داده است؛ و به دلیل مشکلات خاصی که هم اکنون در منطقه از نظر دام و علوفه بر سر راه دامداران وجود دارد و از سوی دیگر وضعیت اقتصادی و اشتغال در جامعه، و وجود شغل‌های خدماتی درآمدزا و نبود حمایت از عشایر، این طایفه چاره‌ای جز مستحیل شدن در جمعیت شهری نخواهد داشت. از این رو نسل فعلی آن قادر نخواهند بود که کار دامداری و حرکت کوچروی پدران خود را دنبال کنند و در حفظ تاریخ و فرهنگ خود کوشا باشند؛ چرا که موانع و مشکلات موجود فرهنگی، اجتماعی و معیشتی از جمله ناآشنایی نسل جدید (فرزندان) به زبان عربی، مشکلات کار رمة‌گردانی و به صرفه نبودن آن در شرایط کنونی، مشکلات مربوط به طول زندگی چهار ماهه ییلاق در منطقه لار و موارد دیگر همگی دلالت بر سیر قهقرایی و اضمحلال این گروه عشایری باسابقه طولانی، در آینده‌ای نه چندان دور دارد.

منابع

الف) کتاب

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۴) تاریخ منتظم ناصری، تصحیح دکتر محمداسماعیل رضوانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۲. امینی، محمد (۱۳۶۸) تاریخ اجتماعی ورامین در دوره قاجار، تهران: شرکت افست.
۳. امینی، محمد (۱۳۸۴) عشایر منطقه ورامین، تهران: انتشارات مدیریت امور عشایری استان تهران.
۴. ایوانف، میخائیل سرگی یویچ (۱۳۴۳) عشایر جنوب (عشایر فارس)، ترجمه کیوان پهلوان و معصومه راد، تهران: انتشارات ارون.
۵. برهان، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۲) برهان قاطع، تصحیح دکتر محمد معین، تهران: زوآر.
۶. بهمن بیگی، محمدبهمن (۱۳۳۴) عرف و عادت در عشایر فارس، تهران: انتشارات بنگاه آذر.
۷. بیات، کاوه (۱۳۶۵) شورش عشایری فارس، تهران: نشر نقره.
۸. بی نام (۱۳۶۶) نتایج سرشماری عشایر کوچنده کل کشور، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۹. بی نام (۱۳۶۸) ایلات و عشایر، تهران: انتشارات آگاه.
۱۰. بی نام (۱۳۸۷) سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور، جمعیت عشایری دهستان‌ها، تهران: ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مرکز آمار ایران.
۱۱. حسینی (فرصت‌الدوله) (۱۳۶۲) آثارالعجم در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن فارس، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ ایران زمین.
۱۲. خورموجی، محمدجعفرالحسینی (۱۲۷۶) تاریخ فارس، نستعلیق، چاپ سنگی.
۱۳. سایکس، سِر پرسی (۱۳۶۳) سفرنامه سر پرسی سایکس یا ده‌هزار مایل در ایران، ترجمه حسن سعادت نوری، تهران: انتشارات لوحه.

۱۴. سیاح، احمد (۱۳۷۸) **المنجد**، تهران: کتابفروشی اسلام.
۱۵. شاه‌حسینی، علیرضا و رنجبر، عنایت‌الله (۱۳۷۸) **ایل‌ها و عشایر استان سمنان**، سمنان: انتشارات اتحادیه عشایری استان سمنان.
۱۶. فسایی شیرازی، حسن‌بن‌حسن (۱۳۶۷) **فارسانامه ناصری**، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. لمتون، ا. ک. س (۱۳۳۵) **مالک و زارع در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲) **نزه‌القلوب**، به سعی و تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
۱۹. مستوفی، عبدالله (۱۳۴۱) **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و ادواری دوره قاجاریه**، تهران: کتابفروشی زوآر.
۲۰. وزیر، سعید (۱۳۵۸) **تاریخ ورامین**، ورامین: ورامین.
۲۱. هدین، سون (۱۳۵۵) **کویرهای ایران**، ترجمه پرویز رجبی، تهران: انتشارات توکا.

ب) مقاله

۱. فیروزی، محمدعلی و غلامی، رفعت (۱۳۵۸) «بررسی روستاهای حاشیه کویر شرق ورامین»، **نشریه پژوهش‌های علمی**، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، ش ۱۳.
۲. کرزن، جرج. ن (۱۳۶۷) **ایران و قضیه ایران**، ترجمه وحید مارندران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

پ) پایان‌نامه

۱. هاشمی فشارکی، سید علیرضا (۱۳۷۲) «بررسی وضعیت فرهنگی اجتماعی ایلات و عشایر ورامین با تأکید بر طایفه عرب کُتی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران.